

اشاره:

نقش دولت در تجارت خارجی

تجارت جهانی روزبه‌روز به‌سوی رقابت فشرده و کاهش موانع غیرتعرفه‌ای پیش می‌رود. این روند نشان می‌دهد که نقش دولت در تجارت خارجی بین ملل جهان می‌بایست روزبه‌روز کمتر شود. آزادسازی تجارت که نتیجه دورگفت‌وگوهای اروگوئه می‌باشد، روند تجارت جهانی در قرن آینده را نشان می‌دهد. این روند گواه بر تضعیف نقش دولت‌ها در تجارت می‌باشد.

در ایران اسلامی تجربیات سال‌های اخیر عکس روند تجارت جهانی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر نقش دولت در تجارت خارجی روزبه‌روز وسیع‌تر و مداخلات آن بیشتر شده است.

چنانچه تجارت گسترده‌تر مدنظر باشد و از این مسیر توسعه پایدار اقتصادی پایه‌گذاری شود، ضرورت دارد که نقش دولت در تجارت خارجی مورد بازبینی قرار گیرد و شرایطی پیش‌بینی و تدارک دیده شود که در آن عاملان اقتصادی به سهولت بتوانند به‌کار صادرات و واردات بپردازند. تولیدات با ارزش افزوده بیشتر را به بازارهای جهانی عرضه کنند و در مقابل محصولات فرآورده‌هایی را وارد نمایند که متضمن رشد تولید و تجارت باشد.

در این گزارش تلاش می‌شود که شمای کلی نقش دولت در اتخاذ و پیشبرد سیاست‌های تجاری در حال حاضر مورد ارزیابی قرار گیرد و شرایط ایده‌آل برای آینده به تصویر کشیده شود.



نفت و گاز ایران از ۱۴/۳ میلیارد دلار در سال ۷۲ به حدود ۱۹/۳ میلیارد دلار در سال ۷۵ افزایش یافت. در مقابل ارزش صادرات غیرنفتی در همین دوره از ۳/۷ به ۲/۱ میلیارد دلار کاهش داشت. اما مجموع ارزش صادرات کشور در اثر افزایش قیمت و میزان صادرات نفت کشور در اثر افزایش قیمت و میزان صادرات نفت کشور از ۱۸ به ۲۲/۴ میلیارد دلار افزایش یافت.

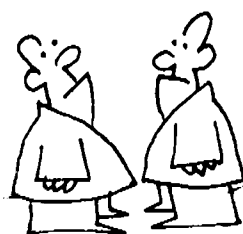
در نه ماه نخست سال ۷۶ نیز ارزش صادرات نفت و گاز به حدود ۱۲/۳ میلیارد دلار، صادرات غیرنفتی به حدود ۲/۴ میلیارد دلار و مجموع صادرات کشور به ۱۴/۷ میلیارد دلار بالغ شد.

آمار تجارت خارجی ایران گواه بر آن است که صادرات نفت و گاز سهم بسزایی در تجارت خارجی دارد و بخش قابل‌توجهی نیازهای ارزی جامعه را تأمین مالی می‌کند. در مقابل صدور کالاهای غیرنفتی در حدی کمتر از ۲۰ درصد درآمدهای صادراتی را تدارک می‌نماید و نقش قابل‌توجهی در تأمین نیازهای ارزی کشور ندارد.

تجارت نفت و گاز در اختیار دولت می‌باشد. اما در صادرات کالاهای غیرنفتی و واردات کالاها و خدمات نیز دولت نقش زیادی دارد.

براساس آمارهای منتشره از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در نشریه «نماگرهای اقتصادی» ارزش صادرات

سال	صادرات کالا			تراز بازرگانی
	نفت و گاز	غیرنفتی	کل	
۱۳۷۲	۱۴۳۳۳	۳۷۴۷	۱۸۰۸۰	-۱۲۰۷
۱۳۷۳	۱۴۶۰۳	۴۸۳۱	۱۹۴۳۴	۶۸۱۷
۱۳۷۴	۱۵۱۰۳	۳۲۵۷	۱۸۳۶۰	۵۵۸۶
۱۳۷۵	۱۹۲۷۱	۳۱۲۰	۲۲۳۹۱	۷۴۰۲
نه ماه نخست ۷۶	۱۲۲۸۲۰	۲۳۷۵	۱۴۶۵۷	۲۶۲۳



از این تحریم‌ها بوده است. تلاش برای متنوع‌سازی منابع واردات، گسترش تجارت با اروپای غربی، شرق آسیا و ملل آفریقایی، یافتن بازارهای تازه برای صدور محصولات نفتی و غیرنفتی جهت جایگزینی آمریکا و... همگی متأثر از تحریم‌هایی بوده که بر تجارت خارجی ایران تحمیل شده است. با این وجود دولت توانسته است در این زمینه‌ها تا حدودی موفق عمل کند و با موانع جدی در تأمین نیازمندی‌های اقتصاد ملی و فروش نفت روبه‌رو نگردد.

از سوی دیگر، دولت با تصویب آیین‌نامه اجرایی مقررات صادرات و واردات، مشخص ساختن حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای کالاهای وارداتی، تخصیص ارز برای واردات، ایجاد شرایط مناسب‌تر یا محدودکننده‌تر برای صادرات غیرنفتی با توجه به تعادل بازار داخلی و... به‌طور مستقیم در تعیین راهبردهای تجاری نقش دارد و نتیجه فعالیت‌های دولت بر دست‌اندرکاران تجارت در بخش خصوصی نیز منعکس می‌گردد.

دولت در تدوین راهبردهای کلان اقتصادی، با اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی انبساطی یا انقباضی سیاست‌های توسعه صنعتی، سیاست‌های ارزی و... نیز نقش تعیین‌کننده در تجارت خارجی ایفا می‌کند. برای مثال مقررات ارزی حاکم بر صادرات غیرنفتی مانند لغو یا اعمال پیمان‌سپاری برای صدور کالاهای غیرنفتی در چند سال اخیر نقش زیادی در کاهش صادرات غیرنفتی از حدود ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۷۳ به کمتر از ۳ میلیارد دلار در سال گذشته داشته است. عدم

آمار مورد بحث گواه بر نقش وسیع دولت در تجارت خارجی است. زیرا که بخش قابل‌توجهی از صادرات را نفت و گاز تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر میزان واردات نیز همبستگی بسیار بالایی با امکانات ارزی کشور دارد. در سال‌هایی که درآمدهای ارزی رو به نزول دارد، میزان واردات محدود می‌گردد و در مقابل در سال‌های افزایش درآمد ارزی ناشی از بالا رفتن قیمت نفت، محدودیت‌های واردات تا حدودی تخفیف می‌یابد.

○ تجارت نفت و گاز در انحصار دولت است و از آنجا که این بخش نقش اصلی در تأمین درآمدهای ارزی کشور دارد، نقش دولت در تجارت خارجی ایران بسیار وسیع است.

درباره نقش دولت و بخش عمومی در تجارت خارجی می‌توان گفت: دولت از جنبه‌ها و ابعاد مختلف نقش تعیین‌کننده و بسیار حساسی در سیاست‌های تجارت خارجی دارد. این نقش از جنبه‌های سیاسی - اقتصادی قابل بررسی است.

برای مثال تحریم‌های اقتصادی که از سوی غرب به سرکردگی آمریکا در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران تحمیل شده است و اتهامات واهی که در این ارتباط علیه ایران مطرح گردیده است، خود منشأ واکنش سیاسی - اقتصادی دولت بوده است. سیاست‌های تجاری که دولت در دوران پس از پیروزی انقلاب اتخاذ نموده تا حدود زیادی متأثر

نشان داد.

اگرچه آهنگ رشد شاخص بهای عمده‌فروشی کالاهاى صادراتى از سال ۷۵ به تدریج نزولى شده است، اما همزمان با آن میزان صادرات غیرنفتى نیز کاهش یافته است. در حالى که رشد شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها (شاخص کل) در سال ۷۲ به میزان ۲۵/۳ درصد، در سال ۷۳ معادل ۴۲/۴ درصد، در سال ۷۴ به میزان ۶۰/۲ درصد، در سال ۷۵ معادل ۲۵/۱ درصد و در سه‌ماهه سوم ۷۶ به میزان ۸/۲ درصد نسبت به مدت مشابه سال ۷۵ ثبت شده است، شاخص بهای عمده‌فروشی کالاهاى وارداتى نیز در این دوران تغییراتى مشابه را به ثبت رسانده است و رشد شاخص آن برای سال ۷۴ به میزان ۷۱/۹ درصد می‌باشد. به عبارت دیگر توفیق یا ناکامی دولت در مقابله با فشارهاى تورمى تحت‌تأثیر رشد نقدینگی و اتخاذ سیاست‌هاى پولی انبساطی، به‌طور مستقیم بر روند صادرات غیرنفتى اثر گذارده است.

توفیق کامل دولت در مقابله با فشارهاى تورمى در سال‌هاى اخیر سبب شد که بهای تمام‌شده کالاها در بازار داخلى آنچنان افزایش پیدا کند که قدرت رقابت آنها برای عرضه در بازارهاى خارجى از بین برود.

طبق گزارش بانک مرکزی، شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفى از رشد ۲۲/۹ درصد در سال ۷۲، ۳۵/۲ درصد در سال ۷۳، ۴۹/۴ درصد در سال ۷۴، ۲۳/۲ درصد در سال ۷۵ و ۱۵/۶ درصد در سه‌ماهه سوم سال ۷۶ نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن برخوردار شد. به این ترتیب افزایش مستمر بهای کالاها و خدمات موجبات تضعیف قدرت رقابت آنها در بازارهاى خارجى را سبب شده است.

گزارش بانک مرکزی گواه بر آن است که شاخص بهای عمده‌فروشی کالاهاى صادراتى در سال ۷۲ به میزان ۶/۶ درصد، در سال ۷۳ به میزان ۴۲/۹ درصد، در سال ۷۴ معادل ۵۴/۲ درصد، در سال ۷۵ برابر با ۱۳/۸ درصد و در سه‌ماهه سوم ۷۶ نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن ۵/۱ درصد رشد

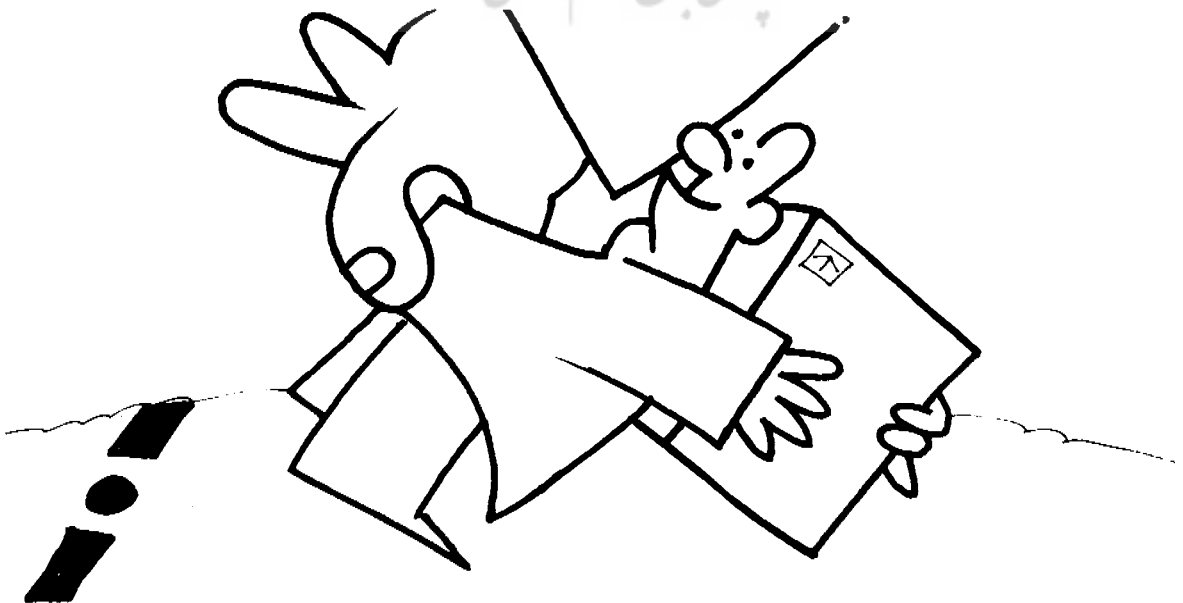
جدول شماره (۲)

(درصد تغییرات)

شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفى

شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها

زمان	شاخص کل	داخلى	صادراتى	وارداتى
۱۳۷۲	۲۵/۳	۲۶/۸	۶/۶	۲۷/۲
۱۳۷۳	۴۲/۴	۳۹/۷	۴۲/۹	۴۷/۱
۱۳۷۴	۶۰/۲	۵۳/۶	۵۴/۳	۷۱/۹
۱۳۷۵	۲۵/۱	۲۳/۷	۱۳/۸	۲۹/۱
سه‌ماهه سوم ۷۶	۸/۲	۱۰/۵	۵/۱	۵/۶
نسبت به سه‌ماهه سوم ۷۵				



دچار تغییرات و تحولاتی شده که آسیب‌های فراوانی را به‌ویژه بر بخش صادرات غیرنفتی در سال‌های گذشته وارد کرده است. متأسفانه هنوز جایگاه واقعی صادرات و نقش حساس و سازنده آن در رشد و توسعه اقتصادی پایدار برای مردم و مسؤولان روشن نشده است.

○ دولت باید نقش و جایگاه خود را در تعیین و اعمال راهبردهای تجاری روشن سازد و حمایت از بخش خصوصی برای گسترش تجارت خارجی را در سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهد.

بارها مشاهده شده است که کاهش عرضه کالایی در بازار داخلی، قطع صادرات آن را سبب شده است. این امر نه تنها به اعتبار صادرکنندگان و تضمین بازار بلندمدت برای کالاهای صادراتی ضربه زده است، بلکه برنامه‌ریزی برای صدور کالاهای غیرنفتی را تا حدودی ناممکن ساخته است. با این وصف روشن شدن جایگاه صادرات در تجارت خارجی و اقتصاد کشور اولین گام برای اتخاذ راهبرد مؤثر تجاری است. در شرایط ناپایداری قوانین و مقررات تجارت خارجی،

بنابراین می‌توان گفت سیاست‌های اقتصادی دولت در ارتباط با مسایل پولی و ارزی نقش وسیعی در تجارت خارجی دارد. سیاست‌های پولی انبساطی اگرچه از یک سو تسهیلات اعتباری بانک‌ها به بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله تجارت را افزایش می‌دهد و به رونق آن می‌انجامد، ولی از سوی دیگر در اثر عدم تعادل میان عرضه و تقاضا در بازار کالاها موجبات رشد فشارهای تورمی را فراهم می‌سازد و این امر در افزایش شاخص بهای عمده‌فروشی کالاهای صادراتی و تضعیف قدرت رقابت آنها در بازارهای جهانی مؤثر است.

از سوی دیگر با تغییرات نرخ ارز به‌ویژه در بازار غیرمجاز، بهای کالاهای وارداتی دچار نوسان می‌شود. اگر افزایش نرخ ارز (به عبارت دیگر تضعیف قدرت خرید پول ملی) از سوی نهادهای دولتی اعمال گردد، شاخص بهای کالاهای وارداتی به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و افزایش می‌یابد. از آنجا که بخش قابل‌توجهی از صادرات غیرنفتی کشور نیز برای تولید نیاز به ارز دارند، این امر در رشد بهای کالاهای صادراتی نیز اثر دارد. اگرچه افزایش نرخ ارز (یا تضعیف ارزش پول ملی) می‌تواند محرک صادرات غیرنفتی باشد.

مسأله مهم‌تر درباره نقش دولت در سیاست‌های تجاری ایران، وجود تشکلهای تصمیم‌گیرنده گوناگون در ارتباط با تجارت خارجی است. گذشته از آنکه دخالت‌های دولت در بازرگانی خارجی گاهی تا حد انحصار (واردات گندم و...) پیش می‌رود، نهادهای گوناگونی درباره تجارت خارجی تصمیم‌سازی می‌کنند و وزارت بازرگانی که می‌بایست تدوین و تنظیم‌کننده سیاست‌های تجاری باشد، در نهایت به حاشیه تصمیم‌گیری‌ها کشیده شده و تلاش می‌کند میان بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و ضوابط گوناگون و متضاد، تا حدودی تجانس ایجاد کند.

○ دولت در تدوین راهبردهای کلان اقتصادی، با اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی انبساطی و انقباضی، سیاست‌های توسعه صنعتی، سیاست‌های ارزی و... نقش تعیین‌کننده در سیاست‌های تجاری و بازرگانی کشور دارد.

با وجود آنکه قوانین و مقررات در توسعه تجارت خارجی نقش بسزایی دارند، اما مقررات بازرگانی خارجی پیوسته

شماره دوم ماهنامه شبکه منتشر شد

شبکه، مجله‌ای برای آشنایی با شبکه‌های اطلاع‌رسانی، اینترنت، تجارت الکترونیک و شبکه‌های رایانه‌ای



گزیده مطالب شماره دوم مجله شبکه

- بیل گیتس، جرم این است: ما موفق بوده‌ایم ● زندانی شبکه ● شبکه در خانه شما ● دردسرهای پست الکترونیک ● به دادم برسید، (امدادرسانی به یک دختر بیمار فنلاندی از طریق اینترنت) ● کلوچه‌های رایانه‌ای ● پارک‌های تجاری در اینترنت ● نظام سرمایه‌داری تکنولوژیک ● نامه‌های ناخواسته الکترونیکی ● کلینتون و تجارت الکترونیک ● محلی کردن ماهواره‌ها ● دیدار آلن آلدای با آلن آلدای ۲/۰ ● ماشین ۵۴/۱۰۱/۱۰۵۴ کجا هستی؟ ● داستان کار از راه دور ● خواب ابدی حروف سری ● طراحی فرم‌های HTML به شکل کارآمدتر ● NT در محیط اینترنت‌ها ● نبردهای طیفی و...

با یک تلفن بزرگ اشتراک برای شما ارسال می‌شود

تلفن: ۶۴۷۴۱۱۳ تهران صندوق پستی: ۱۳۴۴۵/۶۴۴

○ دولت با انجام گفت‌وگوهای تجاری با مقام‌های ذی‌ربط دیگر کشورها و عقد موافقت‌نامه‌ها، بر روند تجارت خارجی اثر می‌گذارد. اگر در این گفت‌وگوها نمایندگان بخش تجارت حضور پیدا کنند، شناسایی راهبردهای مؤثر برای افزایش صادرات غیرنفتی آسان‌تر می‌شود.

به گسترش صادرات غیرنفتی و افزایش سهم ایران در تجارت جهانی، ضرورت دارد که نهاد تصمیم‌ساز در امر تجارت خارجی، می‌بایست فقط وزارت بازرگانی باشد که با هماهنگی دیگر نهادها (مانند وزارتخانه‌های صنعتی، بانک مرکزی، سازمان برنامه، گمرک و...) راهبردهای اصلی را مشخص نماید. به نظر می‌رسد شورای عالی صادرات می‌تواند نهاد مؤثری برای اتخاذ راهبردهای تجاری باشد.

دولت با انجام گفت‌وگوهای تجاری با دیگر کشورها، عقد موافقت‌نامه‌ها، امضاء یادداشت تفاهم‌ها و... نیز تأثیر بر تجارت خارجی دارد. چنانچه در این گفت‌وگوها فعالان تجارت (صادرکنندگان و واردکنندگان یا نمایندگان آنها) حضور پیدا کنند، می‌توانند در شناسایی راهکارهای بهتر برای گسترش تجارت خارجی، کمک به رشد صادرات غیرنفتی، تأمین نیازهای وارداتی با شرایط بهتر و قیمت ارزان‌تر و تسهیلات دیگر تجاری مؤثر باشند. لذا ایجاد تشکلهای لازم برای حضور در گفت‌وگوهای تجاری، ضروری به نظر می‌رسد.

از آنچه بیان شد، نتیجه می‌گیریم که دولت از یک سو می‌تواند نقش مؤثر، کارساز، هدایتگر و تسهیل‌کننده در تجارت خارجی ایفا کند و از سوی دیگر می‌تواند با تعدد مراکز تصمیم‌گیری نقش محدودکننده ایفا نماید.

○ دولت از جنبه‌ها و ابعاد مختلف نقش تعیین‌کننده و بسیار حساس در سیاست‌های تجاری دارد که از جنبه سیاسی - اقتصادی قابل بررسی است.

از آنجا که تحقق برنامه اقتصاد بدون نفت در سرلوحه برنامه‌های اقتصادی دولت می‌باشد، لذا ضرورت دارد که دولت نقش و جایگاه خود را در تجارت خارجی روشن کند و بر مبنای آن، نهاد تصمیم‌ساز در این زمینه را مشخص و حمایت‌های لازم را برای گسترش تجارت خارجی بر مبنای یک برنامه روشن و درازمدت مبتنی بر رشد صادرات به عمل آورد.

سرمایه‌گذاری در این بخش به خصوص صدور کالاهای غیرنفتی میسر نمی‌باشد و حیات اقتصادی سرمایه‌گذاران را به مخاطره می‌اندازد. ادامه این روند موجب ناپایداری سرمایه‌گذاری، نزول سرمایه‌گذاری و کاهش صادرات می‌گردد.

در زمینه سیاست‌های تجاری، نهادهای مختلف از جمله ستاد تنظیم بازار (برای ایجاد تعادل در بازار داخلی)، بانک مرکزی (با هدف نظارت بیشتر بر دریافت‌ها و پرداخت‌های ارزی)، گمرک و وزارت امور اقتصادی و دارایی (برای اخذ بیشتر درآمدهای گمرکی و سود بازرگانی)، وزارتخانه‌های صنعتی (برای تأمین ارز موردنیاز صنعت و معدن) و... تصمیم‌گیری می‌کنند. این تصمیمات که با اهداف گوناگون اتخاذ می‌گردد، در پاره‌ای موارد با یکدیگر متناقض است و متأسفانه وزارت بازرگانی نقش سازنده‌ای در تعیین و اعمال راهبردهای تجاری مؤثر ندارد. در اثر تصمیم‌سازی‌های گوناگون از منابع مختلف، تغییر در قوانین و ضوابط اجرایی صادرات و واردات به‌طور مستمر به چشم می‌خورد و همین امر روند سرمایه‌گذاری در تجارت خارجی را متزلزل می‌سازد.

از سوی دیگر، دخالت نهادهای مختلف در کار صادرات و واردات نیز موجب شده که تشریفات اداری حاکم بر تجارت خارجی طولانی گردد. برای مثال وزارت صنایع برای فعالیت واحدهای تولیدی، تخصیص ارز برای واردات مواد اولیه یا قطعات و تجهیزات را منظور می‌کند. ثبت سفارش در وزارت بازرگانی و گشایش اعتبار در بانک مرکزی صورت می‌گیرد. انجام این امور گاه تا چند ماه وقت می‌برد و دست‌اندرکاران تجارت خارجی را سردرگم نموده و حتی بخشی از نقدینگی آنها که گاه سرمایه در گردش بنگاه اقتصادی است را محبوس می‌سازد.

به نظر می‌رسد که برای رفع معضلات تجارت خارجی، کمک

